



انتظار فرج در کمال جویی انسان ریشه دارد/ انتظار در اندیشه شیعه

امام خمینی(ره) درباره مفهوم «انتظار فرج» می‌گوید: انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاءالله تهیه شود.

امام خمینی(ره) درباره مفهوم «انتظار فرج» می‌گوید: انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاءالله تهیه شود.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر بخشی از کتاب «معرفت امام زمان» اثر ابراهیم شفیع‌ی سروستانی است که در ادامه می‌خوانید؛

عظمت وجودی و جنبه‌های گوناگون شخصیت حضرت صاحب الامر(عج) سبب شده است در طول هزار و اندی سال که از غیبت کبری می‌گذرد، هر گروه از مردم بنا بر گرایش‌های اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی؛ شأن، از دیدگاهی خاص به تحلیل شخصیت و تعیین جایگاه آن حضرت در هستی بپردازند. بدین ترتیب، هر گروه تنها درک و تصور خود را از این موضوع تصور درست و مطابق با واقع از شخصیت آن یگانه هستی می‌پندارد.

در این میان، جمعی از اصحاب سیر و سلوک و رهروان طریق عرفان و معنا با طرح موضوع خلیفه الله؛ انسان کامل و پرداختن به نقش حجت الهی در هستی، تنها به جنبه فراطبیعی آن وجود مقدس توجه کردند و از دیگر جنبه‌ها غفلت ورزیدند.

گروهی دیگر از اصحاب شریعت، توجه خود را تنها به جنبه طبیعی آن وجود مقدس معطوف ساختند و با مطرح کردن نقشی که آن حضرت به عنوان امام و پیشوای مردم به عهده دارد، هیچ گونه مسئولیتی را در زمان غیبت متوجه مردم ندیدند. به باور ایشان، تنها تکلیف مردم این است که برای فرج آن حضرت دعا کنند تا خود بیاید و امور مردم را اصلاح کند.

عده‌ای هم با توجه به جنبه فراطبیعی و طبیعی وجود مقدس حضرت حجت(ع)، تمام هم و غم خود را متوجه ملاقات با آن حضرت ساختند و تنها وظیفه خود را این دانستند که با توسل به آن حضرت، به شرف ملاقات با آن ذات اقدس دست یابند.

در این میان، گروهی با در نظر گرفتن همه ابعاد که بدان‌ها اشاره شد، به طرح معنای درست انتظار پرداختند و درصدد تعیین وظیفه و نقش مردم در دوران غیبت برآمدند. در این دیدگاه، هم مسئله خلافت الهی انسان کامل مطرح است و هم به جایگاه و نقش مردم در برابر آن حضرت توجه شده است. همچنین وظیفه‌ای را که مردم در دعا برای حفظ آن وجود مقدس و تعجیل در ظهورش دارند، از نظر دور نداشته‌اند.

شاید امام خمینی(ره) را بتوان درخشان‌ترین چهره گروه اخیر دانست. ایشان با صراحت به نقد و بررسی برداشت‌های مختلفی پرداخت که مسئله انتظار فرج وجود دارد و دیدگاه خاص خود را در این زمینه چنین مطرح ساخت: البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم، اگر می‌توانستیم می‌کردیم چون نمی‌توانیم بکنیم، ولی ایشان باید بیایند.... ولی ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم. کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت(ع).... [۱]

ایشان در جایی دیگر نیز درباره مفهوم «انتظار فرج» می‌فرماید: انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاءالله تهیه شود. [۲]

برای شناخت جایگاه و مفهوم انتظار در اندیشه شیعی، برخی از روایاتی را که در این زمینه وارد شده است، بررسی می‌کنیم تا از معنا و مفهوم انتظار، ضرورت و فضیلت آن، وظایف منتظران در عصر غیبت و آثار سازنده انتظار بر فرد و جامعه آگاه شویم.

۱. مفهوم انتظار

«انتظار»؛ یعنی «چشم‌داشتن» و «چشم به راه بودن». [۳] انتظار در لغت به معنای چشم‌داشتن یک تحول، یک رویداد خوب و یک گشایش یا چشم به راه بودن آینده ای مطلوب، عزیزی سفر کرده، آمدن انسانی دست‌گیر و... به کار می‌رود. به این معنا، انتظار مفهومی است که با نهاد همه انسان‌ها عجین شده است و می‌توان گفت همه انسان‌ها به نوعی منتظرند. به بیان دیگر، انتظار یا امید به آینده، هم‌زاد انسان است و اگر امید به آینده را از او بگیرند، سرنوشتی جز سکون، رکود، مرگ و تباهی نخواهد داشت. از همین رو، در کلام نورانی پیامبر گرامی اسلام آمده است: *أَلْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِّأُمَّتِي وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا ارْضَعَتْ وَ الْإِدَّةُ وَ لَدَهَا وَ لَا غَرْسَ غَارِسٌ شَجَرًا*. [۴] امید برای امت من مایه رحمت است و اگر امید نبود، هیچ مادری، فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌کاشت.

همچنین حکایت شده است که روزی عیسی (ع) نشسته بود و پیرمردی با بیل، زمینی را شیار می‌کرد. عیسی فرمود: «بار خدایا! امید (آرزو) را از او بگیر.» آن پیر در دم، بیل را به کناری انداخت و دراز کشید. ساعتی گذشت و عیسی گفت: «بار خدایا! امید را به او بازگردان.» بی‌درنگ آن پیر برخاست و شروع به کار کرد. [۵]

مولانا نیز این حقیقت را به زبان دیگری بیان می‌کند: گر نبودی میل و امید ثمر کی نشاندی باغبان بیخ شجر.

انسان هر دوره از عمر خود را به امید رسیدن به دوره بعدی پشت سر می‌گذارد و لحظه لحظه زندگی او با امید همراه است. کودکی که تازه به دبستان پا گذاشته است، به امید رفتن به کلاس بالاتر و پشت سر گذاشتن دوران آموزش ابتدایی درس می‌خواند و تلاش می‌کند. همین کودک دوران راهنمایی را با امید رسیدن به دوران دبیرستان سپری می‌کند و دوران دبیرستان را با این امید که روزی به دانشگاه راه یابد، پشت سر می‌گذارد. وقتی همین کودک دیروز و جوان امروز وارد دانشگاه می‌شود، امیدهای تازه به او توش و توان می‌دهد و به زندگی اش معنا می‌بخشد؛ امید رسیدن به جایگاه مطلوب اجتماعی، تشکیل خانواده، داشتن فرزند و مانند آن. پس از تشکیل خانواده و به دنیا آمدن فرزندان، همه امیدها و آرزوهای انسان متوجه پیشرفت و ارتقای فرزندانش می‌شود و به این ترتیب، حکایت پایان‌ناپذیر امید به آینده، تا آستانه مرگ، انسان را همراهی می‌کند.

ناگفته نماند امید به آینده و انتظار تحقق فردای بهتر، در یکی از ویژگی‌های فطری انسان؛ یعنی کمال‌جویی او ریشه دارد. انسان همواره طالب رسیدن به مراتب بالاتر و دست یافتن به قله‌های پیشرفت و ترقی است و این انگیزه در همه انسان‌ها با تفاوت‌هایی در سطح کمال مورد نظر و میزان تلاش برای رسیدن به کمال مطلوب، وجود دارد.

در هر حال، انتظار و چشم به راه آینده بودن، شعله‌ای است در وجود انسان که هرچه فروزان‌تر و پرفروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی او نیز بیشتر خواهد بود. برعکس، هر چه این شعله به سردی و خاموشی بگراید، تلاش و فعالیت انسان نیز کاستی می‌پذیرد تا آنجا که او به موجودی سرد، بی‌روح، بی‌نشاط، گوشه‌گیر و بی‌تحرک تبدیل می‌شود. در روان‌شناسی، به این حالت «افسردگی» می‌گویند. شدت و ضعف و زمینه‌های به وجود آمدن افسردگی در افراد گوناگون، متفاوت است، ولی عامل آن در هر حال چیزی جز خشکیدن نهال امید در وجود انسان نیست.

با توجه به اهمیت و نقش اساسی امید به آینده و انتظار فرج در زندگی انسان‌ها، مکتب اسلام کوشیده است با تقویت این روحیه، تلاش و سرزندگی مسلمانان را در جوامع اسلامی به نهایت درجه برساند و آنها را در هر زمان، پویا و پایدار نگه دارد.

به نظر می‌رسد امید به آینده و انتظار فرج به دو معنا در آموزه‌های دین اسلام به کار رفته است:

الف) انتظار به معنای عام

در این معنا، مکتب اسلام تلاش کرده است از یک‌سو، با فضیلت بخشیدن به «انتظار گشایش» و امید به آینده و از سوی دیگر، با نکوهش ناامیدی، دل‌سردی و دل‌مردگی، روحیه تلاش و تکاپوی سازنده را در افراد جامعه اسلامی زنده نگه دارد و از ایجاد ناامیدی در زندگی شخصی مسلمانان جلوگیری کند.

اهتمام اسلام به این معنای عام از انتظار و امید به آینده چنان است که از یک سو، امید به فرا رسیدن گشایش از سوی خداوند در ردیف برترین اعمال شمرده شده و از سوی دیگر، ناامیدی از رحمت خداوند از جمله گناهان کبیره به شمار آمده است. [۶]

قرآن کریم، ناامیدی از رحمت خدا را از ویژگی های کافران می داند و از زبان حضرت یعقوب (ع) چنین نقل می کند: یا بَنِي اَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَ اُخِيهِ وَ لَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ; اِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ. [۷] پسرانم! بروید و از یوسف و برادرش جست و جو کنید و از رحمت خدا ناامید نشوید؛ که تنها گروه کافران از رحمت خدا ناامید می شوند.

بسیاری از روایاتی که در آنها به فضیلت «انتظار فرج» به rlm& به طور کلی و بدون ذکر متعلق فرج اشاره شده است، به اصل تقویت روحیه امید به آینده و مقابله با ناامیدی و بدبینی نسبت به آینده نظر داشته اند که از آن جمله می توان به این روایات اشاره کرد:

۱. از رسول گرامی اسلام نقل شده است: مَنْ رَضِيَ عَنِ اللّٰهِ; يَالْقَلِيلَ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ يَالْقَلِيلَ مِنَ الْعَمَلِ وَ اِنْتَظَرُ الْفَرَجَ عِبَادَةً. [۸] هر کس نسبت به رزق کمی که خداوند به او داده است، خشنود باشد، خداوند نیز نسبت به عمل کمی که او انجام می دهد، خشنود می شود و انتظار گشایش عبادت است.

۲. همچنین از آن حضرت روایت شده است: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ؛ برترین عبادت ها انتظار فرج است». [۹]

۳. باز در جایی دیگر می فرماید: «أَفْضَلُ جِهَادٍ أُمَّتِي اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ؛ برترین جهاد امت من، انتظار فرج است». [۱۰]

۴. امام علی (ع) در بخشی از روایت مفصلی که در آن به چهارصد مورد از اموری اشاره می کند که برای صلاح دین و دنیای مؤمن شایسته است، پس از سفارش کردن به طلب رزق در میانه طلوع فجر و طلوع شمس می فرماید: اِنْتَظَرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللّٰهِ; عَزَّ وَ جَلَّ، اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ. [۱۱] منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید. به درستی که خوشایندترین اعمال نزد خداوند صاحب عزت و جلال، انتظار فرج است.

۵. آن حضرت در بخش دیگری از روایت یاد شده، پس از اشاره به این مطلب که ناشکیبایی هنگام ناگواری ها موجب از بین رفتن پاداش انسان می شود، می فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْمَرْءِ اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللّٰهِ; عَزَّ وَ جَلَّ؛ برترین کارهای انسان، انتظار گشایش از سوی خداست». [۱۲]

۶. امام صادق (ع) نیز در سفارش های خود به ابوحنیفه می فرماید: «... وَ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللّٰهِ; برترین کارها، انتظار گشایش از خداست». [۱۳]

ب) انتظار به معنای خاص

در این معنا، انتظار گشایش و امید به آینده از حالت امری محدود، سطحی و فردی، خارج و به امری گسترده، عمیق و اجتماعی تبدیل می شود. در توضیح این مطلب باید گفت آموزه های ادیان الهی به ویژه دین مبین اسلام، بر گرایش های درونی انسان ها تکیه دارد و اهداف و برنامه های آنها بر اساس همین گرایش های درونی و ویژگی های فطری سامان یافته است. در این میان، نقش دین تنها جهت دهی، گسترش و نهادینه rlm& سازی این گرایش هاست.

در موضوع مورد بحث نیز با توجه به اینکه امید به آینده و انتظار گرایش فطری و جوهره زندگی انسان هاست، دین مبین اسلام تلاش کرده است این گرایش را از یک rlm& سو گسترش دهد و از سوی دیگر، تعمیق بخشد. به این بیان که دین اسلام به همه انسان ها می گوید فقط منتظر بهبود وضع زندگی خود و اطرافیان نباشید و تنها سعادت نزدیکان خود را طلب نکنید، بلکه این انتظار را نسبت به همه افراد جامعه گسترش دهید و چشم rlm& انتظار روزی باشید که رفاه، سعادت، عدالت و معنویت نه تنها در شهر و دیار شما، بلکه در همه جهان گسترده شود. به جز آن بیان می دارد که انتظار نباید تنها متوجه امور ظاهری، سطحی و محدود زندگی باشد.

باید مفهوم انتظار را تعمیق بخشید و چشم به راه آینده ای بود که حقیقت مطلق، عدالت مطلق و معنویت مطلق در جهان حاکم شود. در این معنا، انتظار تنها به ظهور مردی تعلق می گیرد که اگر بیاید، نهایت خوبی ها را برای همه انسان ها در سراسر جهان فراهم خواهد کرد. این انتظار به همان اندازه فضیلت و برتری دارد که تحقق متعلق آن. هنگام بررسی فضیلت انتظار، به برخی روایات هایی اشاره می کنیم که انتظار به معنای خاص را مورد توجه قرار داده اند. پی نوشت:

- [۱]. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره))، چاپ اول: تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۲۰، صص ۱۹۸ و ۱۹۹.
- [۲]. همان، ج ۷، ص ۲۵۵.
- [۳]. ر. ک: لغت‌نامه دهخدا، کلمه «انتظار»؛ فرهنگ فارسی معین، کلمه «انتظار».
- [۴]. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۷۳، ج ۸.
- [۵]. ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، بیروت، دار صعب و دارالتعارف، بی تا، ج ۲۷۲، ۱؛ میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۸۴، ج ۶۷۵.
- [۶]. ر. ک: سید عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، چاپ سیزدهم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹، صص ۶۸ و ۹۱.
- [۷]. سوره یوسف (۱۲)، آیه ۸۷.
- [۸]. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ج ۳.
- [۹]. همان، ج ۲، ص ۲۸۷، ج ۲.
- [۱۰]. حسن بن علی بن حسین ابن شعبه الحرّانی، تحف العقول عن آل الرسول، چاپ دوم: قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳، ص ۳۷.
- [۱۱]. کتاب الخصال، ج ۲، ص ۶۱۶؛ تحف العقول، ص ۱۰۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ج ۷.
- [۱۲]. کتاب الخصال، ج ۲، ص ۶۲۱؛ تحف العقول، ص ۱۱۱.
- [۱۳]. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۰۸، ج ۷۷.